

### تندروها چه می‌کنند؟

۶ ماه از عمر دولت چهاردهم گذشت و سرانجام تندروها به سقف مطالبات خود رسیدند، ناصر همتی، وزیر پیشین اقتصاد با استیضاح از کابینه خارج شد و محمد جواد ظریف معاون راهبردی رئیس‌جمهور استعفا داد. برکناری ظریف دست‌کم ۶ ماه محور تلاش‌های تندروها بود واستیضاح همتی از ۲ ماه قبل تبدیل به اصلی‌ترین دغدغه جناح مخالف دولت شده بود و سخننگویان این جریان در مجلس به شکلی مداوم آن را پیگیری می‌کردند. گویی که وضعیت اقتصادی کشور محصول عملکرد چهار ماهه وزیر اقتصاد دولت است. آنها از یکسوتلاش داشتند تا تصویر سیاسی دولت را با هجمه به ظریف برهم بزنند و از سوی دیگر در پی زرسوال بردن عملکرد اقتصادی دولت توأم با انکار اثرگذاری شرایط بین‌المللی ایران بودند.

#### استیضاح بعد از ۴ ماه!

استیضاح وزیر اقتصاد دولت چهاردهم، اما نه پس از شش ماه که چهار ماه پس از آغاز فعالیت او راه افتاد. در حالی که دونالد ترامپ با سیاست فشار حداکثری بر ایران روی کار آمد و تحولات منطقه و جهان یکی پس از دیگری اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داد. با این همه مخالفان دولت ادعا داشتند که شاخص‌های اقتصادی از جمله نرخ ارز صرفاً مرتبط با عملکرد چهار ماهه وزیر است. امضاها ی این طرح با پیگیری مستمر نمایندگان تندرو از جمله حسینیعلی حاجی‌دلگانی و محسن زنگنه و البته فشارهای همه‌جانبه از جمله ارسال پیامک‌های سازمان‌دهی‌شده به افزایش یافت. از سوی دیگر دعوت از چهره‌های ضد دولت در صداوسیما یکی دیگر از ابعاد هجمه به وزیر اقتصاد بود. مخالفان همتی که اغلب نزدیک به جریان پایداری و سعید جلیلی بودند، بدون توجه به شرایط بین‌المللی ایران و تحریم‌های همه‌جانبه و سیاست‌های اقتصادی دهه‌های گذشته، تلاش داشتند تا وضعیت اقتصادی را به عملکردش ماهه همتی مرتبط کنند.

#### دولت سیزدهم

این در حالی است که گاهی به عملکرد احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد دولت سیزدهم نشان می‌دهد که قیمت برخی اقلام اساسی تا ۸۸ درصد افزایش یافته است. در بهمن ۱۴۰۰ برنج ایرانی و سیب زمینی به ترتیب ۱۷ و ۱۱ درصد افزایش قیمت داشتند. قیمت اقلامی، چون روغن نباتی مایع نیز که ارتباط مستقیمی با سفره مردم داشتند نیز از ۹ هزار تومان به ۲۶ هزار تومان رسیدند. کالاهای همچون قند نیز ظرف شش ماه دو برابر شد و به ۱۶ هزار تومان رسید. دیگر کالاهای اساسی، چون برنج ایرانی نیز در ۶ ماه نخست دولت مرحوم رئیسی از حدود کیلویی ۲۸ هزار تومان به کیلویی ۸۹ هزار تومان رسید. دولت سیزدهم دلار را هم با حدود ۲۷ هزار تومان تحویل گرفت و در کمتر از سه سال با حدود ۵۰ هزار تومان تحویل داد. اما حتی شش ماه نخست دولت سیزدهم نیز با معیارهای امروزی نمایندگان تندرو برای استیضاح خاندوزی کافی بود. در آن مقطع نیز محمدباقر قالیباف رئیس مجلس بود اما سخنی از استیضاح خاندوزی به میان نیامد. در حالی که خبری هم از دونالد ترامپ و اعمال دوباره سیاست فشار حداکثری بر ایران، سقوط فشار اسد در سوریه، جنگ غزه و درگیری‌های ایران و اسرائیل هم نبود. با این همه عملکرد وزیر اقتصاد پیشین نه تنها زیر سوال نرفت، بلکه او تا پایان عمر دولت سیزدهم به کار خود ادامه داد. حتی وقتی که رکورد ۸۰ ساله نرخ تورم در اردیبهشت ۱۴۰۳ شکسته شد نیز خاندوزی همچنان بدون اینکه تحت فشار مجلس باشد به کار خود ادامه می‌داد. مخالفان دولت، حالا بدون اینکه حتی با استسکوی اقدامات خود باشند، وزیر اقتصاد دولت و معاون رئیس‌جمهور را ناچار به برکناری کردند. همزمانی استعفا ی ظریف به درخواست رئیس‌قوه قضائیه واستیضاح همتی، گرچه اتفاقی اما پایانی هماهنگ بر فصل اول تلاش تندروها برای ایجاد بحران‌های برپا‌شده برای دولت چهاردهم محسوب می‌شود. جناح مقابل دولت که از روز نخست ساز خود را علیه وفاق ناگوک کرده بود، اکنون حیات خود را نیازمند بحرانی تازه می‌بیند. چراکه این جریان همواره حیات سیاسی خود را در منازعه تعریف کرده و خارج از شرایط استثنایی و بحرانی بلاتکلیف باقی می‌ماند. چنانچه حمید رسایی عضو مجلس از تهران و یکی از سخنگویان پرسروصدای این جریان در مجلس در شش ماه گذشته تمام تلاش خود را معطوف به تذکر و نطق علیه محمد جواد ظریف کرده بود. اما پس از این، جریان بحران‌ز ی ظهور سیاست‌ورزی خواهد کرد؟ چه بحران دیگری از سوی این جریان برای هجمه به دولت برپا‌شده خواهد شد؟ در شرایطی که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری نیز آشکارا اعلام کرده که هرچند اعتقاد به گفت‌وگو و مذاکره داشته اما موضع مقام معظم رهبری درباره عدم مذاکره با آمریکا را فصل الخطاب دانسته و آن را پیگیری خواهد کرد. به این ترتیب آن‌ها حتی مثل دولت روحانی، ابزاری برای هجمه به دولت برای طرفداری از مذاکره نیز در اختیار ندارند. تجربه یک دهه‌اخیر امانشان می‌دهد که جریان تندرو به دنبال محملی برای تخریب ایده وفاق دولت خواهد بود تا از این طریق حیات سیاسی خود را در شرایط بحرانی تضمین کند.

حشمتا... فلاح پیشه در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

# برجام فدای منافع واسطه‌ها شد



**روسیه و اروپا دنبال منافع خود هستند**

**برجام فدای منافع واسطه‌ها شد**

**صهیونیست‌ها و تندروهای داخلی منتظر پاسخ غیرمتعارف بودند**

آرمان ملی - حمید شجاعی: طی چند وقت گذشته اخبار پیرامون نامه ترامپ به مقام معظم رهبری در باب مذاکره ایران و آمریکا به خیر اصلی رسانه‌ها تبدیل شده بود. نامه‌ای که در وجود آن شک و شبهه‌ای ایجاد شد آن هم زمانی که سیدعباس عراقچی گفت «ما هنوز چیزی از طرف آمریکایی‌ها دریافت نکردیم»، در حالی که ترامپ بخشی از مضمون نامه خود را نیز فاش کرد که از رهبر ایران خواستم با آمریکا مذاکره کند، اما سخنرانی عصر شنبه مقام رهبری مبنی بر عدم مذاکره با آمریکا و طرح این مسأله‌که: «بعضی دولت‌ها و شخصیت‌های قلدر خارجی اصرار به مذاکره می‌کنند در حالی که هدف آنها از مذاکره حل مسأله نیست بلکه از مذاکره به دنبال تحکم و تحمیل مسأله مورد نظرشان هستند»، نشان داد که در شرایط حاضر و تا زمانی که دولتمردان آمریکایی بخواهند از موضع بالا و تحکم با ایران برخورد کنند و به اصطلاح خواستار مذاکره دستوری با مولفه‌های خاص خودشان باشند، ایران تن به چنین مذاکره‌ای نخواهد داد. هر چند که البته انتظار هم می‌رفت که مقام رهبری چنین موضعی اتخاذ کنند، اما با این موضع‌گیری که بسیار منطقی در باب

#### باتوجه به اینکه طی روزهای گذشته مسأله ارسال

**نامه از سوی ترامپ برای رهبر انقلاب و اینکه اساسا وزیر امور خارجه اذعان داشته که هیچ نامه‌ای از سوی آمریکایی‌ها دریافت نکرده‌ایم تحولات پیرامون این مسأله و واشنگتن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
من معتقدم که به هر حال چه نامه‌ای در کار باشد چه نباشد آقای ترامپ سعی کرد که با روش خودش به اصطلاح به ایران پیام بدهد و چون یک بار در زمان نخست وزیر فقید ژاپن آقای آبه شینزو به ایران پیام ارسال کرد و ایران آن پیام را دریافت نکرد. الان نامه‌ای که ترامپ داده بیشتر از اینکه یک نامه مهر و موم شده باشد، شبیه یک نامه سرگشاده بوده است. یعنی در واقع ترامپ یک کلیاتی را مطرح کرد که این کلیات را قبلا به اصطلاح در سلسله مصاحبه‌های قبلی هم گفته بود و با حتی بعضی از مقاماتش نیز مطرح کرده بودند. لذا به همین دلیل پیش از اینکه ما از نامه صحبت کنیم باید از پیام صحبت کنیم، پیامی که ترامپ سعی کرد به هر حال به ایرانی‌ها برساند. در طرف مقابل ما دیدیم به هر حال عملاً آقای ترامپ وقتی که اعلام کرد به رهبر ایران نامه نوشته، معنائیش این بود که عملاً موضوع ایران و آمریکا را موضوعی در سطح رهبری ایران می‌داند و عملاً روی سخن خودش را با رهبر ایران قرار داده، نه رئیس‌جمهور ایران. از طرف دیگر موضوع سومی که می‌خواهم بگویم پاسخ ایران است. به هر حال پاسخی که مقام رهبری دادند به اصطلاح رد دیپلماتیک پیام ترامپ بود.

به هر حال در گذشته وقتی که آمریکایی‌ها نامه ارسال می‌کردند، معمولاً طرف ایرانی از طریق سخنرانی‌ها پاسخ می‌داد و بعضا سخنرانی تندی هم صورت می‌گرفت. دو گروه منتظر بودند که مقام رهبری پاسخ غیر متعارفی به ترامپ بدهد. یکی صهیونیست‌ها که به نظر من اسرائیل خیلی عجله دارد که جنگی با ایران صورت بگیرد یا حداقل اقدامات یا حملات نقطه زنی علیه ایران صورت بگیرد و در سمت دیگر گروه افراطیون و تندروهای داخل کشور بوده‌اند که به هر حال هرگونه مذاکره را رد می‌کنند و بیشتر از افزایش تنش‌ها و شکل‌گیری شرایط جنگی میان ایران و اسرائیل استقبال می‌کنند. به همین دلیل اینها منتظر بودند که مقام رهبری با جملاتی همچون مقابله به مثل با سربازان آمریکایی، حمله به پایگاه‌های آمریکایی و یا حتی دوباره طرح مجدد حمله به تل‌آویو یا حقیقا پاسخ بدهد. ولی و معتقدم رهبر انقلاب به صورت دیپلماتیک با مسأله برخورد کردند. یعنی اعلام کردند که طرف مقابل دنبال حل مسأله نیست. دوم اینکه به دنبال گسترش مسأله فراتر رفتن از موضوع هسته‌ای است و دیگر اینکه به هر حال موضع قلدما بانه‌ای است. لذا نتیجه‌ای که از این رد و بدل شدن پیام‌های سرگشاده دو طرف می‌گیریم، این است که با وجود همه اینها طرفین سعی دارند باب مذاکره را همچنان باز نگه دارند. باب تحرکات دیپلماتیک باز باشد و شاید با توجه به نوع اخلاق سیاسی و رفتار شناسی آقای ترامپ، طرف ایرانی منتظر است که پیام دوم ترامپ بیاید.

#### از لحاظ شکلی یک چیز مهم مشخص

**شده که ترامپ واسطه نمی‌پذیرد. یعنی ترامپ دنبال گفت‌وگو و مستقیم با ایران است و دیدیم که پیشنهاد میانجی‌گری**

**روسیه را نپذیرفتند**



مذاکره در خصوص آمریکا و اروپایی‌ها صحبت کردند، دو دسته غافلگیر شدند. نخست اسرائیلی‌ها که انتظار سخنانی جنگ طلبانه از سوی رهبر انقلاب داشتند که بر پایه آن بهانه جنگ با ایران را پیدا کنند و دسته دیگر نیز تندروهای داخلی که آنها نیز بی‌میل به شرایط تنش‌آلود و افزایش تنش‌ها نیستند، اما با موضع بجای رهبر انقلاب تیر هر دو این دسته‌ها به سنگ خورد، حال در این میان چند پرسش مطرح می‌شود. نخست اینکه پس از سخنان مطرح شده رهبر انقلاب آمریکایی‌ها چه موضعی اتخاذ خواهند کرد؟ دوم، رویکرد اروپایی‌ها چه خواهد بود و آیا به سمت آمریکایی‌روند؟ در نهایت نیز چین و روسیه که آنها نیز طی روزهای اخیر بی‌میل به مذاکره نبوده‌اند چه واکنشی خواهند داشت؟ در همین راستا برای بررسی تحولات بین‌المللی به ویژه تحولات میان تهران و واشنگتن، سخنان اخیر مقام رهبری و پاسخ به آمریکایی‌ها و همچنین موضع سایر طرف‌های برجام «آرمان ملی»، با حشمتا... فلاح پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس دهم و تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

#### هدف بازیگرانی مثل روسیه و اتحادیه

**اروپا میانجی‌گری ایجاد حوزه منافع برای خودشان است و دیدیم آنها منافع برجامی برای خود درست کردند و آخر هم برجام فدای منافع واسطه‌ها شد**

یعنی ترامپ معمولاً پیام اولش حاوی یک بلوف سیاسی کلی است ولی ممکن است در پیام‌های بعدی عملاً طرح قابل مذاکره‌ای مطرح کند. من معتقدم اتفاقاً حتی طرف ایرانی هم به گونه‌ای عمل کرد که اختلاف ایدئولوژیک نشود و وقتی که یک اختلاف ایدئولوژیک نشود، یعنی امکان پیدا کردن راه میانه وجود دارد و با توجه به مجموع شرایط، هنوز امکانی برای استفاده از دیپلماسی وجود دارد. البته بسته به این است که این بار دیگر ترامپ پیام سرگشاده ندهد و به هر حال دیپلمات‌های دو طرف بتوانند موضعی را مطرح کنند.

#### باتوجه به آنچه گفته شد یعنی احتمال مذاکره بین تهران و واشنگتن را می‌دهید؟

از لحاظ شکلی هم یک چیز مهم است و آن اینکه مشخص شده که ترامپ واسطه نمی‌پذیرد. یعنی ترامپ دنبال گفت‌وگو مستقیم با ایران است. دیدیم که آمریکایی‌ها خیلی زود به پیشنهاد میانجی‌گری روسیه موضع منفی نشان دادند و دنبال مذاکرات مستقیم هستند و اختلافات ایران و آمریکا فقط در شرایطی از حالت بحران خارج می‌شود که دو طرف تابوشکنی کنند. اگر تابوشکنی صورت بگیرد امکان خروج از بحران شکل گرفته وجود دارد و این کار باید صورت بگیرد، چون متأسفانه احتمال اینکه تابوها، ماجرا را به درگیری و جنگ بکشاند وجود دارد.

**باتوجه به اینکه آقای ترامپ اصالتمایلی به میانجی ندارد، می‌بینیم چه از طرف کشورهای منطقه‌ای مثل عمان یا چه خود روس‌ها یا اروپایی‌ها این مسأله مطرح می‌شود که ما می‌توانیم به نوعی بین تهران و واشنگتن میانجی‌گری کنیم و طرفین را به میز مذاکره بکشانیم. تلاش‌ها برای میانجی‌گری را چگونه می‌بینید؟**

تجربه نشان داده که بازیگرانی مثل قطر، عمان، ژاپن و حتی عراق بازیگرانی هستند که هدفشان از میانجی‌گری جلوگیری از بحران و به اصطلاح کاهش تنش‌ها است و لذا کار کردن با این کشورها در راستای منافع ملی ایران هم ارزیابی می‌شود. ولی بازیگران دیگری مثل روسیه و اتحادیه اروپایی هستند که هدفشان از میانجی‌گری به اصطلاح ایجاد یک حوزه منافع برای خودشان است و دیدیم آنها منافع برجامی برای خود درست کردند و آخر هم برجام فدای منافع واسطه‌ها شد.

**پس از سخنان مقام رهبری و رد مذاکره با آمریکا تصور می‌کنید واکنش ایالات متحده چه خواهد بود و با وجود شکست سیاست فشار حداکثری باز هم به سمت این رویکرد برای تحت فشار گذاشتن ایران حرکت می‌کنند؟**

امریکایی‌ها فشار حداکثری را ادامه می‌دهند و سعی می‌کنند که فشار حداکثری را بروزرسانی کنند ولی سعی دارند که سطح تنش را کنترل کرده و در رفتن به سوی

# آرمان ملی

### دره‌بین

جنگ اوکراین به عنوان برگ برنده؟

### فرصت‌سازی ترکیه و عربستان

همزمان با آغاز تلاش‌ها برای پایان دادن به جنگ در اوکراین، کشورهای حاشیه خلیج فارس و ترکیه خیز برداشته تا به واسطه دیپلماسی فعال چندساله‌شان در ارتباط با روسیه و آمریکا بتوانند از شرایط حاکم برای خود فرصت‌سازی کرده و همزمان نقش‌شان را در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برجسته‌سازند. امواج مדיامدعی شد: جنگ روسیه - اوکراینکه اکنون وارد سال سوم خود شده است، به شدت بر ژئوپولیتیک جهانی تأثیر گذاشته است. با وجود تلاش‌های متعدد برای میانجی‌گری، کشورهای عرب خلیج فارس و ترکیه به عنوان بازیگران اصلی در جهت بایب بحران و ایفای نقش میانجی‌گران نسبتاً بی‌طرف ظاهر شده‌اند.

#### بازی اعراب و ترکیه

این وبگاه در ادامه آورد: عربستان سعودی در تاریخ ۱۸ فوریه میزبان مقامات روسی و آمریکایی برای مذاکراتی با هدف پایان دادن به جنگ در اوکراین بود. این نشست چهار و نیم‌ساعته، گسترده‌ترین گفت‌وگو بین دو طرف از زمان آغاز بحران در سال ۲۰۲۲ بود. در حالی که ریاض برگزار این نشست جنجالی را تسهیل کرد، رئیس‌جمهور اوکراین، ولودیمیر زلنسکی، به ترکیه پرواز کرد، دومین مقصدش پس از سفر به امارات متحده عربی، یک بازیگر تأثیرگذار دیگر که با هر دو کیف و مسکو، در تعامل است. زلنسکی ابتدا اقرار بود از ترکیه به ریاض سفر کند، اما پس از غافلگیری از مذاکرات روسیه - آمریکا، این سفر را به تعویق انداخت. زلنسکی از اینکه اوکراین از گفت‌وگو‌ها کنار گذاشته شد، ناراحت بود و اعلام کرد که ترکیه هم باید در هر گونه تعامل گنجانده شود. آنکارا در برگزاری ابتکار غلات دریای سیاه و تسهیل آزادی فرماندهان گردان آذوق نقش حیاتی داشته است. امارات متحده عربی هم مذاکراتی برای آزادی اسیران جنگی میان روسیه و اوکراین ترتیب داده است، در حالی که قطر میزبان گفت‌وگو‌ها بوده و مذاکراتی برای آزادی کودکان اوکراینی انجام داده و کمک‌های بشردوستانه نیز ارائه کرده است. این نقش‌های متفاوت با اهداف سیاست خارجی کشورهای عربی خلیج فارس هم‌راستاست، از جمله ارتقای جایگاه آنها و همچنین تقویت اعتبار آنها به عنوان میانجی و بازیگر بشردوستانه. هدف دیگر، برجسته کردن استقلال استراتژیک آنها در دنیای ژئوپولیتیک در حال تغییر است. در حالی که بیشتر همکاری‌های عربی خلیج فارس و ترکیه در بحران اوکراین پشت درهای بسته انجام شده، یک استثنا قابل توجه زمانی بود که آنکارا و ریاض در سپتامبر ۲۰۲۲ نقش اساسی در میانجی‌گری تبادل اسرا میان روسیه و اوکراین ایفا کردند. این تبادل شامل آزادی نزدیک به ۳۰۰ نفر پس از مذاکرات سختی بود که توسط دو میانجی یعنی، رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه و محمد بن سلمان آل سعود ولیعهد عربستان ممکن شد. آنکارا و ریاض، دو قدرت میانه، همواره روابط نزدیکی با مسکو داشته‌اند، اگرچه هر دو متحد ایالات متحده نیز هستند - ترکیه از طریق عضویت تقریباً ۷۰ ساله خود در عربستان سعودی از طریق بیش از ۸۰ سال رابطه امنیتی با واشنگتن. - از زمان آغاز جنگ اوکراین، ترکیه و کشورهای عربی خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی- روابط اقتصادی خود را با روسیه عمیق‌تر کرده‌اند. به عنوان مثال، آنکارا و مسکو متعهد شده‌اند که تجارت دو جانبه خود را به ۱۰۰ میلیارد دلار در سال تقریباً دو برابر کنند. در همین حال، مبادلات اقتصادی روسیه با عربستان سعودی و امارات به طور چشمگیری افزایش یافته است و به طور غیرمستقیم تحریم‌های غربی را تضعیف می‌کند. امتناع عربستان سعودی از بیوسنتز به غرب در تحریم مسکو موجب شده که برخی این رویکرد را به معنای حمایت از روسیه تلقی کنند. با این حال، پادشاهی عربستان سعودی همچنین به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل که از روسیه خواسته بود از اوکراین خارج شود، رأی مثبت داده است. قابل توجه است که ترکیه نیز از بیوسنتز به تحریم‌ها علیه روسیه خودداری کرده، اما به اوکراین پهبادهای باپراکتار TBY تحویل داده است. به طور کلی، تأثیرات جنگ اوکراین بر جریان‌های انرژی، امنیت غذایی و دینامیک‌های منطقه‌ای از جمله عواملی است که باعث نقش فزاینده کشور‌های عربی خلیج فارس و ترکیه در ترویج صلح شده است.

#### اهرم‌ها و اهداف

در حالی که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ترکیه به طور موثر همکاری می‌کنند و هدف مشترک آنها پایان دادن به جنگ اوکراین است، هر یک انگیزه‌های ژئوپولیتیکی خاص خود را دارند. برای ترکیه، ایفای نقش پیشگام در پایان دادن به این بحران نه تنها از منافع ملی این بازیگر محافظت می‌کند، بلکه نفوذ آنکارا را در اروپا نیز افزایش می‌دهد، به ویژه در شرایطی که به نظر می‌رسد دولت دونالد ترامپ خود را برای انجام توافقاتی بدون حضور اروپایی‌ها آماده کرده است. با توجه به جنگ غزه و وضعیت سوریه، اروپا چاره‌ای جز تغییر رویکرد خود نسبت به ترکیه ندارد، به ویژه آنکه آنکارا دومین ارتش بزرگ ناتو را در اختیار دارد. در غیاب حمایت ایالات متحده، اروپا نمی‌تواند امیدوار باشد که بدون همکاری نزدیک با آنکارا، در باب روسیه از فرایند بازدارندگی پیروی کند. ترامپ تمام کمک‌های نظامی به کی‌یف را به حالت تعلیق درآورده و گفته است که درخواست عضویت اوکراین در ناتو غیرواقعی است و مشخص کرده که هیچ نیروی نظامی آمریکایی نباید به عنوان بخشی از هرگونه ضمانت امنیتی در اوکراین مستقر شود. بنابراین، اروپا اکنون بیشتر از هر زمان دیگری به ترکیه از نظر نظامی و سیاسی وابسته است. اگر آنکارا در به حداکثر رساندن منافع خود از جنگ اوکراین موفق شود، می‌تواند موقعیت خود را با هم‌راستا کردن منافع استراتژیک خود با اروپا تقویت کرده و چالش‌های طولانی مدت در روابط با این قاره را حل کند. این روند ممکن است در نهایت به پیشبرد آرزوهای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا کمک کند.

#### طرفین سعی دارند باب مذاکره و تحرکات

**دیپلماتیک را باز نگه دارند. شاید با توجه به نوع اخلاق سیاسی و رفتار شناسی آقای ترامپ، طرف ایرانی منتظر است که پیام**

**دوم ترامپ بیاید**